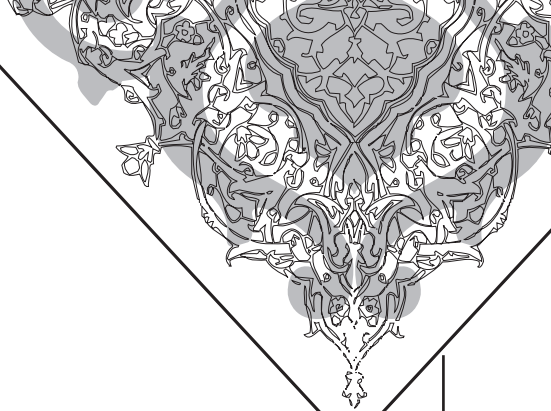




فرهنگ نویسی و فرهنگ‌های چند زبانه

بررسی فرهنگ‌های چند زبانه نسخه ۱۹۳۲۰-۵ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران^۱

■ فرح زاهدی^۲

مقدمه:

زبان یا به عبارت دیگر سخن گفتن ویژگی آشنای زندگی آدمی است. زبان را می‌توان بیان اندیشه و وسیله انتقال آن به دیگران به کمک آواهای گفتار معرفی کرد. کار اصلی دانش زبان معلوم کردن ماهیت فرآیندهای متعدد زبان نظیر تغییرات آوایی^۳ حذف آواها^۴ دگرگونی‌های معنایی^۵ ساختارهای صرفی و نحوی و مطالعه تاثیر این فرآیندها بر ساخت زبان است. از سوی دگر زبان هر قوم و گروهی، میراث تاریخی محض آن گروه است یعنی حاصل کاربرد اجتماعی مداوم و دیرپای همان قوم در طول تاریخ است. جذابیت و بررسی زبان‌ها و مفاهیم موجود در آنها شاخه‌ای از دانش زبان شناسی را بنیاد نهاده که فرهنگ نویسی نام دارد. در این دانش^۶ به یاری قوانین زبان شناختی^۷ روش‌هایی نظری و علمی برای تهیه فرهنگ‌های گوناگون عرضه شده است (روبینچیک، ۱۳۹۷: ۸-۹).

یکی از کوشش‌های ایرانیان باستان تألیف واژه‌نامه و فرهنگ و فهرست واژه‌ها برای متون نگاشته شده به زبانهای ایرانی باستان و میانه بوده است. این تلاش‌های اندک در دوران اسلامی توسط جوامع دینی مانوی و زردشتی کوچیده از ایران نیز ادامه یافت. برای پاسخگویی به نیازهای ادبی و دینی بجامانده به زبان فارسی میانه^۸ همواره احساس می‌شد که بسیاری از واژه‌های فارسی میانه نیاز به شرح و برابر نهاد به زبان‌های دیگر داشته اند (Henning, 1940, 12-13) هرچند صورت پازند هر واژه فارسی میانه و نیز صورت هزوارشی آن^۹ کوششی بوده است برای خوانش صحیح آن (Tavadia, 1956, 93). دست نویس ۱۹۳۲۰-۵ موجود در بخش نسخ خطی و نادر سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران حاصل بخشی از این فعالیت‌ها است. این دست نویس که بخشی از آن موضوع پژوهش قرار گرفته^{۱۰} دارای نه بخش است. که در ادامه تشریح خواهند شد.

۱. گزارش طرح پژوهشی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
۲. استادیار گروه ایران شناسی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



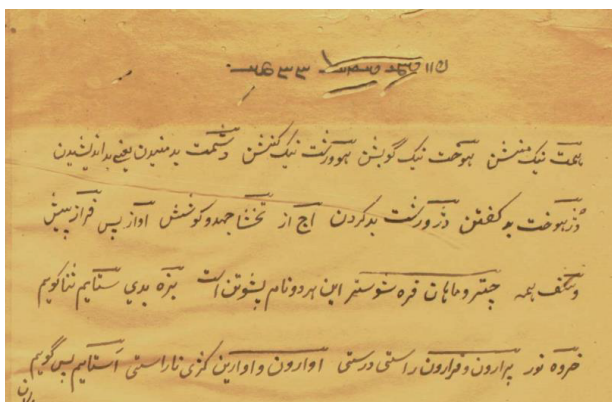
ویژگی‌های ظاهری فرهنگ‌های چند زبانه نسخه ۱۹۲۲۰-۵ کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

این نسخه موجود در کتابخانه ملی دارای ویژگی‌های ظاهری است که به قرار زیر است: جلد آن مقوایی با رویه تیماج با نقش مربع ضربی است که مصدوم شده است. جلدسازی به شیوه ایرانی نیست. دارای شیرازه ته دوخت است و همین گواه بر این است که در دوران متأخر یا معاصر (احتمالاً اواخر دوره قاجاریه) مرمت شده است. اندرون جلد کاغذی ساده همراه با کاغذهای بدرقه الحاقی است که دارای مهر Nor-way in made strong extra هستند. بخش‌های نه گانه را همین کاغذهای الحاقی نخودی رنگ مات از یکدیگر جدا نموده است. کاغذی که بخش‌های دوم و سوم و پنجم و هشتم بر آن تحریر شده از نوع نخودی دولت آبادی از کاغذهای رایج دوره صفویه غیرایرانی و به احتمال قریب به یقین هندی است؛ زیرا آفت زدگی شدید بیولوژیکی ویژه مناطق شرق آسیا را دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بخش‌های فوق در خارج از ایران و در هندوستان در سرزمینی که پارسیان هند سکونت داشتند تحریر شده و چندین سده در آنجا نگهداری می‌شده است. رسم الخط خوب و خوانای بخش‌های مختلف دست نویس (منهای بخش نخست و پایانی) نشان می‌دهد که کاتب همه آنها یک نفر بوده است.

بخش‌های نه گانه این فرهنگ دست نویس:

چنانکه گفته شد این اثر دارای ۹ بخش است که به قرار زیر هستند:

۱- بخش نخست واژه‌نامه کوتاه و ناتمام دوزبانه پهلوی- فارسی در چهار صفحه است که سرواژه‌های پهلوی به خط فارسی واج نویسی شده‌اند. در مجموع حاوی ۲۰۱ سرواژه است که با نشان سیاق با مرکب سیاه متمایز گشته‌اند. جنس کاغذ و رسم الخط فارسی آن متعلق به قرن ۱۳ هجری است زیرا نویسه‌های «ک» و «گ» تا حدودی متمایز از یکدیگر نوشته شده‌اند. ویژگی بارز این واژه‌نامه نبود نظام الفبایی (پهلوی یا فارسی) و نیز ضبط واژه‌های پهلوی به خط فارسی است. این واژه‌ها بدان گونه ای نوشته شده‌اند که در طی مرور زمان از نظر آوایی و نگارشی تحول یافته و معنا می‌شده‌اند.



دست‌نویس ۱۹۲۲۰-۵ - صفحه ۸ - ۴۷



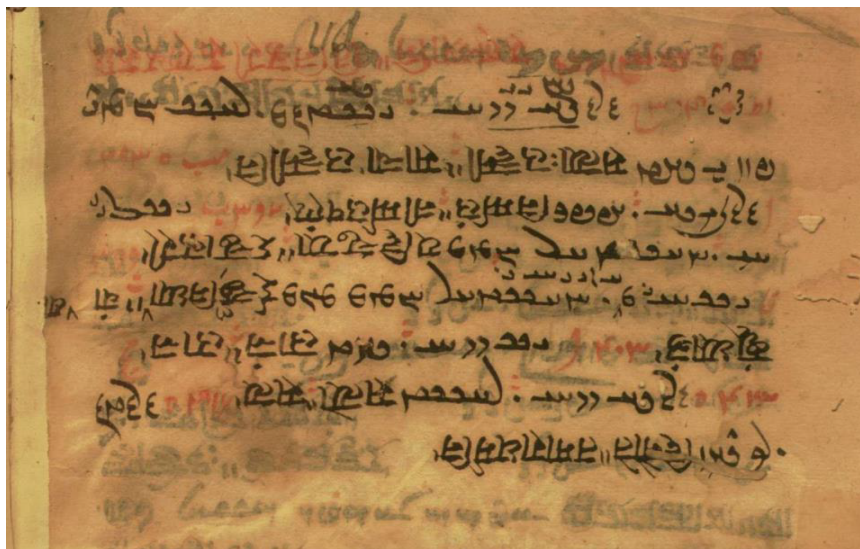


۲- بخش دوم فرهنگ چند زبانه (پهلوی- پازند- فارسی- سنسکریت- گجراتی) است که در ۱۶۴ صفحه تنظیم شده است. این فرهنگ که موضوع پژوهش حاضر است ' بدون آغازنوشت، انجامه و عنوان است و مجموعا دارای ۲۳۰۰ مدخل یا سرواژه است. هر برگ رکابه دارد و بر پشت و روی آن واژه ها نوشته شده اند. از ترکیب عدد و حروف به صورت شنگرف برای تفکیک سرواژه ها استفاده شده است. مولف- کاتب بسیار مایل بوده توالی واژه ها و برابره های متعلق به سرواژه های پهلوی منظم و بدون فاصله و درهم آمیختگی با یکدیگر نوشته شوند' بنابراین با وارونه نمودن (= سر و ته کردن) کاغذ' معادل های سنسکریت و گجراتی را بلافاصله بدنبال معنی فارسی نگاشته است زیرا جهت خط سنسکریت و گجراتی از چپ به راست است. همه معادل های سنسکریت و گجراتی در حالت صرفی هستند زیرا از درون عبارات دو متن ویژه پهلوی که تحریر پازند و برگردان فارسی و سنسکریت و گجراتی دارند' اخذ شده اند. به همین ترتیب سرواژه های فعلی پهلوی نیز به صورت صرف شده (= مضارع اخباری سوم شخص مفرد' ماضی التزامی اول شخص مفرد و...) ضبط شده اند. فرهنگ مزبور نخستین و منحصر به فردترین فرهنگی است که برای واژگان زبان پهلوی و برابره های آن به زبان های دیگر بجا مانده است و تا کنون ناشناخته بوده است. همانند آن در دست نویس دیگری مشاهده نشده است و پژوهش حاضر یگانه پژوهشی است که بر روی آن انجام گرفته است.

۳- پاره سوم از مجموعه دست نویس ' فرهنگ ناقص و ناکامل چهار زبانه اوستایی- پهلوی- سنسکریت- گجراتی در سی و شش صفحه است. این فرهنگ متعلق به بخش یسنای اوستا است. مجموع سرواژه های آن ۶۴۱ واژه است و تمامی نویسه های اوستایی را شامل نمی شود. سرواژه های اوستایی نه به شکل ماده اسمی ' صفتی' ضمیری و فعلی بلکه در حالت صرف شده ضبط شده اند. به همین ترتیب معادل های سنسکریت و گجراتی نیز در حالت صرف شده نوشته شده اند. افزون بر این گاهی برابره های سنسکریت به صورت جمله و یا بخشی از عبارت مأخوذ از متن ترجمه شده یسنا به سنسکریت نوشته شده اند. این امر مؤید آن است که فرهنگ فوق برای آموزگاران تهیه شده تا از آن در حین آموزش استفاده نمایند. مؤلف که به احتمال قریب به یقین ' خود نیز آموزگار بوده' بر این گمان بوده است که تعدادی از سرواژه های اوستایی نیازمند توضیح بیشتری بوده اند. این افزوده ها و توضیحات روشن می سازند که زبان آموزش ' سنسکریت بوده است. برای بسیاری از سرواژه های اوستایی ' برابر گجراتی که به خط سنسکریت نوشته می شده' ضبط نشده است. سبب این فقدان ' وجود دست نویس های انگشت شمار و ناکاملی به گجراتی از یسنای اوستا بوده است. فرهنگ ناکامل مزبور نخستین تلاش زردشتیان و جامعه پارسیان هند برای تألیف فرهنگ و واژه نامه اوستایی به شمار می آید. هدف مؤلف از تألیف آن تسهیل آموزش بخش مهمی از اوستا و درک ترجمه های آن به زبان های پهلوی و سنسکریت و گجراتی بوده است.



۴-پاره چهارم از مجموعه دست نویس 'واژه نامه ناکاملی در سه صفحه و دارای ۱۵۲ سرواژه است. این واژه نامه پهلوی - فارسی بدون آغاز و انجام است و واژه های پهلوی بدان گونه که تحول یافته و خوانش می شده اند به خط فارسی واج نویسی شده اند. فاقد نظام الفبایی فارسی یا پهلوی است.



دستنویس ۱۹۲۲۰ - ۵ - صفحه ۲۴۱ - ۱۲۱R

۵-بخش پنجم از این مجموعه 'متن چند زبانہ اوستایی- پهلوی- پازند- سنسکریت سی روزه کوچک است که در ۲۱ صفحه تنظیم شده است. سی روزه شامل سی دعا و نیایش است که هر یک متعلق به یکی از ایزدانی است که سی روز ماه به نام ایشان است. ویژگی درخور توجه این متن آن است که تحریرهای اوستایی و پهلوی و پازند و سنسکریت دعای هر روز به دنبال یکدیگر نوشته شده است. دودیکر آن که تاکنون تحریر چندزبانہ سی روزه کوچک دیده نشده است. بنابراین متن فوق منحصر به فرد تلقی می گردد.

۶-پاره ششم از مجموعه موردنظر در شش صفحه و حاوی صرف سی و پنج هزوارش فعلی است که در سه ستون افقی نوشته شده است. در ستون سمت راست صورت های هزوارشی افعال و در ستون میانی شیوه خوانش آنها به صورت قراردادی و در ستون سمت چپ برابر پازندشان نوشته شده است. در ستون هزوارش ها در ابتدا صورت مصدری 'سپس ماده ماضی' بعد فعل مضارع اخباری سوم شخص جمع 'پس از آن فعل مضارع اخباری سوم شخص مفرد و در پایان فعل مضارع اخباری اول شخص مفرد نگاشته شده است. هدف از ضبط صورت های هزوارشی و پازند افعال مختلف در وجوه و صیغه های صرفی متفاوت یقیناً آموزش بخشی از نحو زبان پهلوی بوده است. شایان توجه است که جنس و نوع کاغذ این بخش ایرانی است اما مشخص نیست که مطالب آن

در ایران و یا هندوستان نوشته شده باشد.

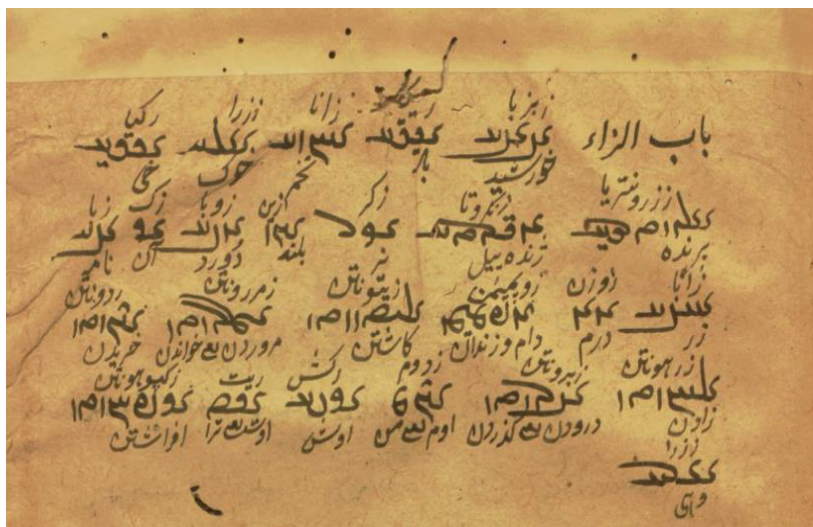
۷- بخش هفتم متنی به سنسکریت در چهل و هفت صفحه است که با مرکب سیاه و به خطی خوش نوشته شده و خط خوردگی ندارد. در موارد اندکی واژه‌های پازند بر بالای صورت‌های سنسکریت نوشته شده است. گمان می‌رود این متن ناتمام و فاقد تاریخ کتابت و نام کاتب بخشی از ترجمه سنسکریت دادستان مینوی خرد باشد.

۸- بخش هشتم فرهنگ هزوارش‌ها و واژه‌های دشوار پهلوی است که با ۷۱۲ واژه در ۱۴ صفحه تنظیم شده است. در این فرهنگبر خالف دیگر دست‌نویس‌های فرهنگ هزوارش‌های پهلوی 'معادل و برابر پهلوی هزوارش‌ها نوشته نشده است و واژه‌های آن به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف- واژه‌های سامی الاصل یا هزوارش‌های اصیل

ب- واژه‌های ایرانی که چنین پنداشته شده که املاء غیرمعمول در پهلوی دارند و یا امکان تشخیص و خوانش شان دشوار بوده است (مشکور '۱۳۴۶، مقدمه: کا- کب؛ Yunker 1912, 13-18; Macuch 2009, 123).

دو ویژگی این فرهنگ را از دیگر دست‌نویس‌های فرهنگ هزوارش‌های پهلوی متمایز می‌کند. نخست آن که شیوه خوانش هر هزوارش و واژه دشوار پهلوی (آن گونه که دریافت شده بود) در بالای آن به صورت قراردادی و نیز معنی فارسی در زیرش نوشته شده است. دودگر آن که دارای نظم الفبایی فارسی است و بر حسب نویسه آغازین به هجده باب تقسیم شده است. در حالی که در دست‌نویس‌هایی که تا کنون از فرهنگ هزوارش‌های پهلوی بدست آمده در بیشتر موارد تقسیم‌بندی موضوعی لحاظ شده است. (Nyberg-Utas 1988 viii- xvi; MacKenzie, 1999, 124).



دست‌نویس ۱۹۲۰ - ۵ - صفحه ۳۹۱- ۱۹۶R



۹-پاره پایانی مجموعه 'انجامه ناتمامی در یک صفحه به تحریر پازنداست. سپس واژه نامه‌ای در چهار سطر به فارسی است که در آن گیاهان و محصولات کشاورزی و تعدادی از گل‌ها طبقه بندی شده‌اند. جمله پایانی دست نویس چنین است: «تمت تمام شد به دست فقیر حقیر برزو ابن قوام الدین مغفور». این فرد هیربذزاده هیربد و از فرهیختگان زردشتی جامعه پارسیان هند بوده که در قصبه نوساری در گجرات هند می زیسته و نسبش به کاما 'بزرگ خاندان نامدار کاما می رسد. او روایات متعددی را در سال ۱۶۳۷ یزدگردی در نوساری هند گردآوری کرد که به روایات برزو قوام الدین مشهور است (Unvala, 1940, 188, fn. 4)

روش پژوهش:

روش کار در طرح پژوهشی مورد نظر بدین صورت بوده است که در ابتدا توضیح بسنده و کافی پیرامون مفهوم فرهنگ و فرهنگ نویسی و واژه نامه نویسی و فهرست نگاری واژه‌ها ارائه شده است. سپس تمامی فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها و فهرست‌های یک زبانه و دو زبانه ای که به زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه بجا مانده‌اند، بسیار کامل معرفی شده‌اند و درباره هر کدام توضیحات فراگیری با مراجعه به منابع و مآخذ معتبر و روزآمد داده شده است. این فرهنگ‌ها و ... که همگی کاربرد آموزشی و کمک آموزشی برای آموزگاران و کاتبان داشته‌اند عبارتند از:

فرهنگ دو زبانه اوستایی- پهلوی (=فرهنگ اویم- ایوک) فرهنگ هزوارشهای پهلوی

فهرستها و واژه نامه های سغدی و فارسی میانه مانوی

فرهنگهای پهلوی

فرهنگ خوارزمی

واژه نامه ختنی

سپس معرفی کافی و وافیه بخش‌های نه گانه دست نویس ۱۹۲۲۰-۵ انجام شده است. در ادامه درباره مهمترین بخش دست نویس یعنی فرهنگ چند زبانه (پهلوی- پازند- فارسی- سنسکریت- گجراتی) به طور مبسوط توضیح داده شده است. به سبب آن که واژه‌های فرهنگ مزبور متعلق به دو متن فارسی میانه زردشتی «دادستان مینوی خرد» و «شکند گمانیک وزار» است، معرفی و ارزشمندی ویژگی‌های زبانی و محتوایی این دو بدنبال آمده است. ابتدا نتایج حاصل از پژوهش در باب کلیه مداخل فرهنگ از نظر نگارشی 'گونه های مختلف نویسه‌های خطی پهلوی و سنسکریت' دستوری' معنایی به صورت جداگانه و دسته بندی شده، شرح داده شده است. پس از شماره گذاری صفحات مطابق استاندارد بین‌المللی (rectus & versus) تمامی سرواژه های پایه (=پهلوی) با معادل‌های پازند و فارسی و سنسکریت از نظر نگارشی و آوایی و معنایی نیز سنجیده شده و در پانویست هر مداخل یا سرواژه توضیح داده شده است. برای تمامی واژه هایی که معادل فارسی ضبط نشده است 'برگردان





در خور و مناسب با رجوع به فصول و عبارات متن شکند گمانیک وزار نگاشته شده است. در پایان تمام تصاویر صفحات فرهنگ چند زبانه ضمیمه شده است. بخش پایانی کتابنامه بسیار جامعی به زبان های فارسی و لاتین است که ضمن پژوهش بدانها مراجعه شده است.

یافته‌های پژوهش به شرح زیر می باشند:

واژه های فرهنگ مورد نظر متعلق به دو متن گران سنگ «دادستان مینوی خرد» و «شکند گمانیک وزار» است. این شناسایی به مدد برخورد با چندین واژه ای که صرفاً در این دو متن بکار رفته اند و نیز وجود برخی نشانه های دیگر محرز شده است. دیگر آن که از میان متن های پهلوی تنها دو اثر مذکور همزمان دارای تحریر پازند و برگردان سنسکریت و گجراتی هستند (Modi, 1913, 5-12; West & Jamasp Asana, 1887, xiv-xxvii; ۱۳۴۸، شش - هفت، 1871 xiii- xiv تفصیلی). نکته دیگر آن است که تعداد زیادی از واژه های فرهنگ چند زبانه دارای معنای فارسی نیستند زیرا این واژه‌ها از متن شکند گمانیک وزار اخذ شده اند و متن مذکور در آن دوران به فارسی ترجمه نشده بوده است. واژه های سنسکریت و گجراتی موجود در فرهنگ (اسم و صفت و فعل و ضمائر و گاهی اعداد) همگی در حالت‌های صرفی بکار رفته‌اند و این نمایانگر این است که واژه های مذکور همگی باید از درون عبارات و جمله های متن یا متن‌های ویژه‌ای اخذ شده باشند. حتی گاهی دو واژه یا یک جمله یا شبه جمله بعنوان مدخل قرار گرفته است.

واژه های متن مینوی خرد که در این فرهنگ لحاظ شده است متعلق به بخش مقدمه و پرسش های یکم تا بیست و پنجم آن است (Sanjana, 1895, 1-43). واژه‌های متن شکند گمانیک وزار متعلق به پنج فصل نخستین آن است

(West & Jamasp-Asana 1887, 24-76; De Menasce, 1945, 181-214).

تحریر پازند و ترجمه سنسکریت مینوی خرد بر اساس دست نویس / نسخه L۱۹ در سال ۸۹۰ یزدگردی برابر با ۱۵۲۰ میلادی از روی متن پهلوی ویراسته نریوسنگ انجام گرفته و در نوسازی در هندوستان کتابت شده است. (West, 1871, xiii- xiv) اما بخش مقدمه و پرسش نخستین آن در اصل به پهلوی بجا نمانده بوده و بعدها از روی تحریر پازند دوباره تدوین گشته است. بنابراین درباره واژه های متعلق به بخش مقدمه و پرسش نخست در فرهنگ مربوطه 'همواره واژه های پازند مالک سنجش قرار گرفته است و ترجمه سنسکریت هم از روی پازند انجام شده است. پنج فصل نخست متن شکند گمانیک وزار نیز در همین دوران از روی تحریر پازند به پهلوی برگردانیده شده است. این فصول حاوی مطالب اساسی درباره اعتقادات دین زردشتی است (اینکه چرا اهریمن به روشنی آسیب رسانید و چرا اورمزد، اهریمن را از بدی کردن باز نمی دارد و اینکه این سپهر را اورمزد آفریه یا اهریمن؟...). بنابراین واژه های متن شکند گمانیک وزار این فرهنگ متعلق به این فصول هستند (تفصیلی، ۱۳۷۶، ۱۶۲-۱۶۳؛ Cereti, 2001, 82-83; De Menasce, 1945, 13, 163).



بیشک مولف فرهنگ از قدیمترین نسخه این متن (AK) که در قرن پانزدهم میلادی استنساخ شد، استفاده کرده است (West & Asana-Jamasp, 1887, xx-xxvii) که در جای خود در طرح پژوهشی بدان پرداخته شده است.

مجری طرح بدین نتیجه رسیده است که فرهنگ چند زبانه مذکور را بی شک یک یا دو کاتب متخصص نگاشته اند و دست نویس مورد اشاره در زمره تکالیف مدرسه ای نیست. این فرهنگ بدان جهت تالیف شده تا به سان کتاب مرجع یا جزوه درسی در کنار دو متن مینوی خرد و شکند گمانیک وزار یاری رسان آموزگاران در کلاسهای درس بوده باشد. گمان می رود ایشان واژه های فارسی میانه زردشتی (= پهلوی) را به شاگردان آشنا و پرورده شده در محیط زبان سنسکریت می آموختند و توضیح می دادند که در برگردان سنسکریت و گجراتی و فارسی و تحریر پازند متن مینوی خرد و شکند گمانیک وزار چگونه ترجمه شده اند و به چه معنایی هستند. این توضیحات در ترم های دینی و نام های اساطیری و اسامی سیارات به خوبی قابل مشاهده است.

در فرهنگ جند زبانه زبان مبدا فارسی میانه زردشتی (= پهلوی) است و سپس معادل ها به پازند و فارسی و سنسکریت و گجراتی نوشته شده اند. این ترتیب در طرح پژوهشی در پنج ستون رعایت شده است. افزون بر این شاهدهای سنسکریت از متن های مورد نظر به همراه بسامد آنها بعنوان قیاس با واژه های درج شده در فرهنگ ارائه شده است. الزم به ذکر است که متنهای سنسکریت دادستان مینوی خرد و شکند گمانیک وزار را بهروچه در سالهای ۱۹۱۲ - ۱۹۱۴ جمع آوری و منتشر کرد (Bharu-cha 1912 & 1914) بدون آنکه آنها را آوانویسی و ترجمه کند.

در بسیاری از موارد برابری سنسکریت کاملتر و جامع تر نگاشته شده اند. یکی از دلایل آن است که در سنسکریت بنا بر قانون هم نهاد/ ترکیبی، کلمات می توانند با یکدیگر ترکیب شوند و حتی تحولات آوایی خاصی یابند. بنابراین در بسیاری از معادل های سنسکریت این رخداد قابل مشاهده است. هر چند زمان تالیف فرهنگ به دوران صفویه و زمان زندگی برزو قوام الدین تعلق دارد اما در یک مورد نویسه خطی «گ» در واژه «آگاه» ضبط شده است.

معادل های فارسی ارائه شده در فرهنگ گاهی نا آشنا بنظر می رسند زیرا در واقع ضبط تلفظ صورت پازند یا پهلوی واژه به خط فارسی هستند. تمامی این نمونه ها در جای جای خود نشان داده شده است. برخی از سرواژه های پهلوی و نیز واژه های پازند و سنسکریت موجود در فرهنگ با آنچه که در کتاب های حاوی متون ویراسته شده دادستان مینوی خرد و شکند گمانیک وزار در چند سده بعد منتشر شده اند، متفاوت هستند. دلیل آن استفاده نویسندگان کتاب های مزبور از همه دست نویس های مربوط به این دو متن بوده است در صورتی که مولف فرهنگ تنها یک دستنویس را در اختیار داشته است. بنابراین نمیتوان قاطعانه نظر داد که صورت های متفاوت نادرست هستند. گمان می رود مولف در ضبط واژه ها از روی دستنویسی که در اختیار داشته، حفظ امانت کرده است و تصحیح احتمالی را بر عهده آموزگاران نهاده است.

گاهی شیوه خوانش هزار شها در زیر یا بالای آنها به صورت قراردادی نوشته شده است. در مواردی سرواژه‌های پهلوی تکرار شده اند لیکن برابری آنها در سنسکریت متفاوت هستند. این امر نشانگر آن است که یک واژه پهلوی در سنسکریت به گونه‌های متفاوتی که صحیح هم بوده، ترجمه می‌شده است.

آن دسته از سرواژه‌های پهلوی که با نویسه $\text{𐭥} = \text{𐭥}$ آغاز می‌شوند در مدخل یا سرواژه مربوط به $\text{Th} = \text{𐭥}$ نوشته شده‌اند. این امر صرفاً به سبب شباهت این دو بوده است. در مواردی یک نویسه (مانند dd بجای d) دو بار در واژه‌های سنسکریت نوشته شده است بدون آن که تمایز معنایی ایجاد کند. قیدهایی پهلوی در بسیاری از موارد در سنسکریت به صورت صفت در حالت بایی مفرد برگردانده شده‌اند. به سبب آن که در خط پهلوی یک نویسه برای چندین واج به کار میرود، در موارد متعددی از نظام نقطه گذاری و علامت گذاری بر روی یک یا چند نویسه استفاده شده است تا خوانش واژه را آسان نماید:

نویسه	شماره صفحه
𐭥 g	051R - 110
𐭥 d	025V - 031
𐭥 j	035V - 077
𐭥 d	054V - 103
𐭥 d	020V - 041
𐭥 g	022R - 038

پسوند اسم معنی در پهلوی دوران ساسانی و دوران اولیه اسلامی در متون $\text{Th} = \text{𐭥}$ ضبط شده است. با توجه به تحول این پسوند از $\text{Th} = \text{𐭥}$ به $\text{Th} = \text{𐭥}$ در این فرهنگ به صورت $\text{Th} = \text{𐭥}$ نوشته شده است. برخی از ایرانشناسان گمان کرده‌اند $\text{Th} = \text{𐭥}$ صورت نادرست است که نظرشان مردود اعلام می‌گردد. اینگونه نتیجه گرفته می‌شود که سرواژه‌ها یا مدخل‌های پهلوی را می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم کرد:

الف- سرواژه‌های واژگانی همچون قیده‌ها، حروف اضافه، صفت‌ها، اسم‌ها و صورت‌های فعلی.

ب- سرواژه‌های نحوی همچون گروه‌هایی از واژه‌ها مانند دو اسم که با حرف عطف و یا بدون آن به هم پیوسته‌اند، اسم‌هایی که با صفات پیوند یافته‌اند، فعل‌هایی که با متمم قیدی نوشته شده‌اند، جمله‌های کوتاه، شبه جمله‌ها.

تلاش مولف فرهنگ چند زبانه بر این بوده است که سرواژه‌های پهلوی با معادل‌های خود از نظر دستوری و معنایی مطابقت داشته باشند اما در این میان مواردی نیز نقض شده است. دلیل آن وجود برگردان متفاوت سنسکریت و فارسی از دو متنی است که پیکره واژه‌های فرهنگ چند زبانه را تشکیل داده است.



Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, on aged, yellowed paper. The text is arranged in approximately 15 horizontal lines. Some words are written in red ink (rubrication). The paper shows signs of wear, including creases and discoloration. A circular stamp is visible on the right side of the page.

دستنویس ۱۹۲۰ - ۵ - صفحه ۱۶ - ۷۸

[illegible]



تفضلی، احمد (۱۳۴۸). واژه نامه مینوی خرد. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
تفضلی، احمد (۱۳۷۶). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: سخن.
روبینچیک، یوری آرونوویچ (۱۳۹۷). فرهنگ نویسی برای زبان فارسی. ترجمه محسن شجاعی با
یادداشت های علی اشرف صادقی. تهران: کتاب بهار.
مشکور، محمد جواد (۱۳۴۶). فرهنگ هزارش های پهلوی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

Anklesaria, E. T. D. (1913). Dānāk- uMainyô- iKhard, Pahlavi Pazand and Sanskrit texts. with an introduction by Jivanji Jamsedji Modi. Bombay:

Bharucha, Sh. D. (1912). Collected Sanskrit Writings of the Parsees. Part III. Mainyô iKhard. Bombay: The Trustees of the Parsee Punchayet Funds and Properties.

Bharucha, Sh. D. (1913). Collected Sanskrit Writings of the Parsees. Part iv. Skanda- Gumân- iGujâra. Bombay: The Trustees of the Parsee Punchayet Funds and Properties.

Cereti, C. G. (2001). La Letteratura Pahlavi. Introduzione a testi con riferimenti alla storia degli studi e alla tradizione manoscritta. Milano: Mimesis.

Henning, W. B. (1940). "Sogdica". James G. Forlong Fund. Vol. xxi. London. 1-67.

Jâmâsp- Âsânâ, H. D. J. and E. W. West (1887). Shikand- Gûmânîk Vijâr. The Pâzand- Sanskrit Text Together With a Fragment of the Pahlavi. Bombay: Government Central Book Depot.

MacKenzie, D. N. (1999). "Frahang ī Pahlawīg". Encyclopaedia Iranica. Edited by Ehsan Yarshater. 10(2). New York: Costa Mesa. 123-125.

Macuch, M. (2009). "Pahlavi Literature". The Literature of Pre- Islamic Iran. Companion vol. I to a History of Persian Literature. Edited by Ronald E. Emmer-





ick & Maria Macuch. London- New York: I.B. Tauris & Co Ltd.116-196.

De Menasce, J. P. (1945). Une Apologétique Mazdéenne du IXe Siècle. Škand- GumānikVičār. La Solution Décisive des Doutes. Fribourg: Librairie de l'Université de Fribourg en Suisse.

Modi, J. J. (1913). "Introduction". Dānāk- u Mainyô- iKhard, Pahlavi Pazand and Sanskrit Texts. Edited by E. T. D. Anklesaria. Bombay: The Fort Printing Press. 1-22.

Monier-Williams, M. (1899). A Sanskrit- English Dictionary. Oxford: Oxford University Press.

Nyberg, H. S. (1988). Frahang I Pahlavîk. Ed. From the posthumous papers... by Bo Utas & Christopher Toll. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.

Sanjana, D. D. P. (1895). The Dînâ î MainûîKhrat or the religious Decisions of the Spirit of Wisdom. Bombay: The DufturAshkara and the Education Society's Steam Press.

Tavadia, J. C. (1956). Die Mittelpersische Sprache und Literatur der Zarathustrier. Leipzig: Veb Otto Harrassowitz.

Unvala, J. M. (1940). Collection of Colophons of Manuscripts Bearing on Zoroastrianism in Some Libraries of Europe. Bombay: The Trustees of the Funds and Properties of the Parsi Punchayet.

Weŝt, E. W. (1871). The Book of The Mainyo-I-Khardor The Spirit of Wisdom. The Pazand and Sanskrit Textsas Arranged in The Fifteenth Century by NeriosenghDhaval. London- Amŝterdam: APA- Oriental Press.

Whitney, W. D. (1896). Sanskrit Grammar. Boston: Ginn and Company.

Yunker, Heinrich F. J. (1912). The Frahang ī Pahlavîk. Heidelberg: Carl winter's Universitätsbuchhandlung.

